

## نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان

سرهنک دوم سید سعید کشفی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۸۷/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۷/۷/۲۵

### چکیده

یکی از معضلاتی که دادرسی اطفال با آن روبه‌روست، نحوه برخورد و چگونگی رفتار با این کودکان بزهکار است که امری فنی و روان‌شناختی است. پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته، محدود و دارای کاستی‌های زیادی است. طرز کار و عملکرد پلیس به عنوان یکی از بازوان دستگاه عدالت کیفری در این تحقیقات مورد توجه قرار نگرفته است. در این نوشتار سعی شده تا به روش تحقیق مروری، انتقادی و تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از سایر کتب و قوانین و مقررات بین‌المللی به نقش پلیس متخصص در دادرسی کودکان و نوجوانان پرداخته شود.

نتایج حاصل این تحقیق درباره نقش پلیس در مرحله تعقیب و تحقیق و برخورد متفاوت پلیس با کودکان و بزهکاران است و طرز کار پلیس، در مرحله صدور و اجرا و پس از اجرای حکم این است که با حضور خود در هر یک از این مراحل و ارائه توصیه‌های لازم به مقام قضایی نقش مهمی در اجرای دادرسی عادلانه داشته باشد. ضرورت تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان بزهکار از نتایج این تحقیق به شمار می‌رود.

### کلید واژه‌ها

دادرسی Trail / پلیس Police / اطفال بزهکار Juvenile Delinquent / بزهکار Delinquent / بزه‌دیده Victim / جرم زدایی Decriminalization / کیفرزدایی Depenalization.

**مقدمه**

یکی از مشکلاتی که در دادرسی اطفال بزهکار در کشورها مشاهده می‌شود نحوه برخورد و رفتار با این دسته از بزهکاران جوان است که به لحاظ فنی و روان‌شناختی، اگر به آن توجه نشود ممکن است سبب برچسب مجرمانه به آنان شود و منتهی به بزهکاری و بزه‌دیدگی ثانویه شود. نوجوانان دارای طبعی انعطاف‌پذیر و قابل اصلاح و تربیت هستند و چنانچه در اقدامات حمایتی و هدایتی از آنان سهل‌انگاری شود، به سمت ارتکاب جرایم دیگر سوق داده می‌شوند. اکثر بزهکاران حرفه‌ای خطرناک کسانی هستند که اولین جرم را در دوره کودکی مرتکب شده‌اند.

مأموران انتظامی دارای مسئولیت‌هایی چون: حفظ نظم و آرامش در اجتماع، کشف جرم، دستگیری بزهکاران و پیشگیری از وقوع جرایم هستند و غالباً قبل از مقامات قضایی از وقوع جرم و یا بروز حالت خطرناک مطلع شده و تحقیقات مقدماتی را به عمل می‌آورند. برخورد اولیه پلیس در خصوص اطفال بزهکار می‌تواند تأثیر عمیقی در روحیه آنان باقی گذارد. چنانچه این رفتار مثبت باشد و با خونسردی و احترام اشتباه آنان را گوشزد کنند و لزوم رعایت قوانین را یادآور شوند ممکن است از عمل خویش اظهار ندامت کنند. خشونت و تحقیر و توهین، حس انتقام‌جویی و سرکشی را تقویت و آنان را نسبت به جامعه بدبین می‌کند. تمام مشکلات و مسائل ویژه در دادرسی اطفال و نوجوانان تنها به مقام قضایی و پلیس اختصاص ندارد و به تنهایی قابل حل نیست؛ چه بسا ممکن است این مشکل بیش‌از نبود یک قانون مدون و جامع در این خصوص باشد که اکثر کشورها برای پیشگیری از این معضل به اصلاح و تدوین قوانین حمایتی، هدایتی و تربیتی اطفال و نوجوانان اقدام کرده یا در صدد آن هستند.

در این خصوص عده‌ای از مؤلفان (کاپلار، ۱۳۷۸)، فقدان دستگاه اجرایی متخصص را مشکل عمده‌ای تلقی کرده‌اند و برخی دیگر (اسکتن، ۱۳۷۸)، نبود قوانین و مقررات صریح و مدون را معضل دانسته و دسته‌دیگر، فقدان قاضی ویژه را از جمله مشکلات در برخورد با این قشر از نوجوانان می‌دانند (رزماتین، ۱۳۷۸). این امر از این جهت حائز اهمیت است که پلیس می‌تواند مهم‌ترین تأثیر و نقش را در دادرسی کودکان و نوجوانان داشته باشد. از لحاظ سابقه اگر چه به صورت جسته و گریخته تحقیقاتی راجع به دادرسی اطفال و نوجوانان صورت گرفته است، ولی هیچ یک از این تحقیقات به نقش پلیس در دادرسی نوجوانان نپرداخته است.

واکنش نظام‌های کیفری در برابر رفتارهای بزهکاران باید مبتنی بر نوعی سیاست

تغییر مسیر باشد. سیاستی که مسیر رسیدگی به این نوع رفتارها را از ابعاد بدنام‌کننده این نظام تغییر دهد و دور کند. اندیشه حاکم بر این سخن آن است که باید تمامی تلاش ممکن را به خرج داد تا قشرهای خاص از مجرمان به مسیری جدای از مسیرهای رسمی دادرسی در نظام جزایی هدایت شوند؛ مسیری که آنان را از تماس با بخش عمده‌ای از ارکان رسمی این نظام به دور می‌دارد و از این طریق، احتمال بدنام شدن آنان را کاهش می‌دهد.

از طرف دیگر، گروهی از کودکان ممکن است بزه‌دیده واقع شوند که در تماس و تعامل با دستگاه‌های قضایی و اجرایی ممکن است با نوعی ناملايمات روبه‌رو شوند که پلیس به عنوان بازوی دستگاه عدالت کیفری می‌تواند نقش مهمی در این فرآیند داشته باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۱)؛ بنابراین اهمیت موضوع حمایت از کودکان، چه در مقام بزه‌کار و چه در مقام بزه‌دیده که ارتباط تنگاتنگ با فرآیند کیفری دارند، ضرورت توجه به نقش و جایگاه آنها در این فرآیند و تحقق سیاست حمایت از آنان را نمایان می‌سازد.

وظایف پلیس در قبال کودکان و نوجوانان متنوع و گوناگون است. با تکیه بر تحقیقات میدانی نگارنده این سطور، بسیاری از کودکان و نوجوانان بزه‌کار در ایران از عملکرد پلیس ابراز ناراضی می‌کنند. انتخاب مرحله پلیسی و نقش آن در جایگاه نوجوانان بزه‌کار به دلایل گوناگون صورت گرفته است؛ از جمله اینکه اختیارات و وظایف پلیس می‌تواند به سان شمشیری دولبه عمل کند و به زیان بزه‌دیده و بزه‌کار تمام شود. اولین برخورد و مواجهه پلیس با بزه‌دیده و بزه‌کار حائز اهمیت است و می‌تواند تأثیر بسیاری بر این گونه افراد داشته باشد؛ چنانچه برخورد نامناسب باشد، جبران آثار آن آسان نیست. اشتباهات قضایی در مرحله دادرسی، دادگاه، و در مراحل بالاتر قابل جبران است، ولی اشتباهات پلیسی و خطای آنان قابل جبران نیست (اقلیما، ۱۳۸۳: ۱۶۲). به منظور رفع این معضل، مجمع عمومی سازمان ملل برای بهبود وضع کودکان و نوجوانان در جهان، قوانین و مقرراتی در قالب رهنمود، توصیه نامه و کنوانسیون، مصوب کرده و برای اجرا به دولت‌های عضو ارسال کرده است. مهم‌ترین آنها مقررات سازمان ملل در مورد دادرسی مصوب ۱۹۸۵ مشهور به قواعد بیژینگ و کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ است، که کشورها برای اجرای این مقررات به دلیل نداشتن متخصص و وسائل لازم، در اجرا با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند؛ بنابراین، قبل از تصویب قوانین و مقررات، امکانات اجرای آن باید فراهم شود (دانش، ۱۳۷۸: ۹۷).

هرگونه رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص بزهکاری اطفال باید به قاضی یا مقام صلاحیتدار و حتی رسیدگی مقدماتی به پلیس متخصص تفویض شود، تا با تشکیل پرونده شخصیت، روش بازپروری و اصلاح منطبق با شخصیت طفل یا نوجوان به اجرا گذاشته شود. با توجه به تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ از طرف ایران، نیروی انتظامی نیز وظیفه خود را بخشی از حرکت جهانی برای بهبود هر چه بیشتر رفتار با کودکان معارض با قانون می‌داند و تدابیر حمایتی تقنینی، به ویژه در قانون آیین دادرسی کیفری، می‌تواند به منظور تضمین موقعیت مطلوب آنها در فرآیند کیفری جامه عمل به خود ببوشد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۵۹ - ۵۰).

در این نوشتار سعی شده است به روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای نقش پلیس در فرآیند دادرسی کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا در لایحه قضایی رسیدگی به جرایم اطفال که هم اکنون در مجلس در دست بررسی و تصویب است بر ضرورت وجود پلیس متخصص اطفال در ماده ۵۳ تأکید شده است.

در این پژوهش به بررسی نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان بزهکار پرداخته و بر این اساس، مطالب در دو گفتار ارائه می‌شود: گفتار نخست به بررسی نقش پلیس در مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی اختصاص یافته است. گفتار دوم نیز به دیگر مراحل این فرآیند (مرحله رسیدگی و پس از آن) اختصاص دارد.

### **گفتار اول: نقش پلیس در مرحله تعقیب و تحقیق**

یکی از راه‌های شروع به تعقیب و تحقیق، شکایت شاکی یا بزه‌دیده است. قانونگذار شکایت و یا اعلام جرم از طرف بزه‌دیده را از جهات قانونی شروع تعقیب می‌داند (ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸).

ممکن است جرم از مصادیق جرم مشهود یا غیر مشهود باشد که در جرایم مشهود، اختیار مأموران نیروی انتظامی نسبت به جرایم غیر مشهود متفاوت است. در نوع اول می‌توانند مدتی طفل یا نوجوان را تحت نظر قرار دهند؛ اما در نوع دوم، تحقیقات را باید به دستور قاضی انجام دهند. اصل سی و دوم قانون اساسی کشورمان موضوع بسیار مهمی را متذکر شده است که در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلائل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود. فوریت و زمان در حفظ حقوق متهم بسیار مهم است بسیاری از اطفال و نوجوانان نمی‌دانند برای چه دستگیر شده‌اند و نسبت به

عمل ارتكابی شرمنده هستند، ولی دقیقاً نمی‌دانند اتهام آنها چیست؟ پلیس باید بلافاصله اتهام را به آنها ابلاغ کنند. بعد از تعقیب، مرحله تحقیق پیش می‌آید. اصل سی و هفتم قانون اساسی کشورمان که در شق یک بند ب قسمت ۲ ماده ۴۰ پیمان نامه حقوق کودک هم منعکس است، اصل برائت است. این اصل مانع بسیاری از اقدامات است. تا اینکه مجرمیت طفل ثابت نشده، اصل جاری است و ما باید در حدود همان مقررات حداقل که در مرحله تحقیق پیش بینی شده، عمل کنیم. اصل سی و هشتم، منع شکنجه است که در شق ۴ بند ب قسمت ۲ ماده ۴۰ پیمان نامه حقوق کودک پیش‌بینی شده است. در این مرحله از تحقیق، بسیار مهم است که اطلاعات مأخوذه از طفل چقدر واقعی است؟ آیا همان مطالب را نزد قاضی بازگو می‌کند؟ نحوه اخذ اقرار چگونه است؟ نحوه نوشتن صورت مذاکرات در نیروی انتظامی بسیار مهم است. اصل سی و نهم قانون اساسی، هتک حرمت و حیثیت کسی را که به حکم قانون بازداشت و دستگیر و زندانی شده، ممنوع و موجب مجازات دانسته است. ماده ۳۷ پیمان نامه حقوق کودک نیز به منع هتک حیثیت و حرمت تأکید دارد. رعایت حرمت از اصل برائت سرچشمه می‌گیرد.

## ۱- در احضار

به استناد ماده ۲۲۳ قانون آیین دادرسی در امور کیفری، احضار طفل از طریق ولی یا سرپرست او به عمل می‌آید و در صورت عدم حضور، برابر مقررات جلب می‌شود. احضار طفل برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در هر مورد، از طریق ولی یا سرپرست او صورت می‌گیرد. به موجب ماده ۱۴۸ آیین دادرسی کیفری، قاضی کسانی را که به تشخیص خود یا با معرفی بزه‌دیده یا اعلام مقامات مربوطه (مثل پلیس) برای روشن شدن اتهام لازم بدانند، احضار می‌کند. در مقررات بین المللی ماده ۴۰ بند ب قسمت ۲ نیز به صراحت، احضار طفل از طریق والدین نیز مدنظر قرار گرفته شده است. مطابق با ماده ۱۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری « متهم موظف است در موعد مقرر حاضر شود» حضور در موعد مقرر، مدیریت زمان را در اختیار مقام قضایی و بزه‌دیده قرار می‌دهد، که متهم نتواند با تأخیر در حضور، موجبات اطاله دادرسی را فراهم کند.

## ۲- در جلب

جلب متهم برای حضور در تحقیقات پلیس صورت می‌گیرد، هر چند هدف اصلی از جلب متهم روشن ساختن هر چه سریع‌تر برخی از ابهامات است، ولی در هر صورت

بزه‌دیده (شاکی) از جلب متهم نیز سود می‌برد. امکان دسترسی بیشتر و سریع نسبت به متهم، حمایت حقوقی از بزه‌دیده محسوب می‌شود. برابر ماده ۱۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، متهمانی که پس از احضار حاضر نشوند و گواهی عدم امکان حضور هم نفرستند توسط قاضی جلب می‌شوند و به استناد ماده ۲۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری در صورت عدم حضور برای بار دوم، جلب می‌شوند. یکی از اهداف جلب، اصل تسریع در رسیدگی است. اصولاً نتیجه عدم حضور، جلب است. بزه‌دید که با وقوع بزه آسیب دیده است در صورت متواری شدن متهم، امکان دست یافتن به حقوق از دست رفته‌اش را نخواهد داشت.

### ۳- در دستگیری

به موجب مواد قانونی و اصول قانونی اساسی (اصل ۳) و ماده واحد حفظ آزادی‌های مشروع، دستگیری باید قانونی و مطابق با قانون باشد. دستگیری یک اقدام محدودکننده به‌شمار می‌آید. اگر پلیس هدف از دستگیری را بداند، ممکن است از طریق دیگر به غیر از دستگیری این هدف حاصل شود. هدف مذکور ممکن است تضمین حضور متهم در دادگاه، حمایت از قربانیان و شهود در مقابل آسیب، جلوگیری از بین رفتن ادله، و جلوگیری از ارتکاب جرم بیشتر باشد. همیشه دستگیری باید با احتیاط صورت گیرد. دستگیری نباید به عنوان کنار گذاشتن موقت فرد از جامعه، پاک‌سازی محیط یا شیوه‌ای از مجازات استفاده شود. حقوق کودکان و نوجوانان اشخاص دستگیر شده باید به محض دستگیری برای کودک توضیح داده شود. ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک نیز مؤید این مطلب است که دستگیری باید به عنوان آخرین راهکار و برای کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت گیرد. البته پلیس، با توجه به نوع جرم ارتكابی و سن فرد، می‌تواند از اقدام‌های جایگزین استفاده کند. در مقررات پکن مصوب ۱۹۸۵ توصیه شده است که پلیس و سایر مقاماتی که به پرونده‌های اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌کنند، باید اختیار قضا‌زدایی، مختومه کردن پرونده‌ها، بدون توسل به دستگیری و محاکمه را داشته باشد. استفاده از جایگزین‌ها نیز به جای دستگیری حائز اهمیت است. اخطار پلیسی در صورتی که جرم، شدید نباشد و اعزام کودک به منزل و درخواست از خانواده‌وی مبنی بر حضور در ساعت مقرر در کلانتری و نیز ابلاغیه رسمی به خانواده طفل برای حضور در کلانتری یا دادگاه، از جایگزین‌های دیگر محسوب می‌شود. پلیس باید در این مورد، تخصص‌های لازم را داشته باشد، که مستلزم بهره‌مندی از آموزش

است. (ماده ۱۳ مقررات پکن، مصوب ۱۹۸۵).

#### ۴ - بازداشت

طبق قوانین و مقررات ملی، بازداشت باید قانونی و به موجب قانون باشد، (اصل قانون اساسی و ماده واحده حقوق شهروندی و حفظ آزادی‌های مشروع) بند ب ماده ۳۷ از کنوانسیون حقوق کودک این امر را به صراحت مطرح کرده است. بازداشت باید به عنوان آخرین راهکار باشد و جایگزین‌ها باید نخست مدنظر قرار گیرند. از اولین تماس کودک، پلیس باید همواره به جای بازداشت و فرآیند رسیدگی در دادگاه، درصدد ارزیابی جایگزین‌ها باشد، مانند حضور در خانه در ساعات معین، رفتن به مدرسه، عدم معاشرت با برخی افراد، عدم مراجعه به قربانی یا نرفتن به برخی اماکن.

ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد که کودکان پس از دستگیری باید در سریع‌ترین زمان ممکن به دادگاه معرفی شوند؛ به عبارت دیگر، پلیس نباید کودک را در این مدت در بازداشت نگه دارد و بعد به دادگاه معرفی کند. بهترین رویه اقدام بر اساس قانون، معرفی کودک به دادگاه در سریع‌ترین زمان ممکن است؛<sup>۱</sup> یعنی آنکه از بازداشت نباید به عنوان طرد موقت فرد از جامعه استفاده کرد. ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی‌شود.

#### ۵ - در تحقیق و بازجویی

تحقیق می‌تواند به کشف حقیقت و درک صحیح از چگونگی ارتکاب و نوع جرم بینجامد. ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری به این موضوع می‌پردازد. پلیس باید در مرحله تحقیقات بتواند از فنون خاص بازجویی استفاده کند. کسب اطلاعات از بزه‌دیده دارای سه مرحله است: مرحله قبل از بازجویی و کسب اطلاعات درباره وقایع قبل از جرم، مرحله بازجویی، که در بردارنده حقوق کودک مثل حضور والدین، رعایت جنسیت، جلب اعتماد، حق سکوت و عدم توسل به زور و شکنجه است و سرانجام مرحله بعد از تحقیقات، مشخص کردن مسیر اصلی پرونده است که برای پلیس حائز اهمیت است. پلیس در این مرحله می‌تواند، با در نظر گرفتن جوانب امر و نوع جرم و سن کودک، پرونده را از مسیر رسمی قضایی خارج یا آن را به نوعی به فرآیندهای غیر

1. Tony Marshall - (www.RestorativeJustice.org)

قضایی هدایت کند، همانند معرفی و اعزام کودک به یک سازمان غیر رسمی یا سازمان مددکاری برای حمایت و مراقبت از او (اینترپل، ۱۹۹۷).

## ۶- حضور وکیل

اصولاً در طول فرآیند کیفری باید یک یا چند نفر باشند که به عنوان رابط میان بزه‌دیده، بزه‌کار و دستگاه قضایی فرآیند رسیدگی به پرونده را پی‌گیری و اطلاعات لازم را کسب کنند. یقیناً بهترین کسانی که در این زمینه می‌توانند به بزه‌دید کمک کنند، وکلای دادگستری هستند. حضور وکیل برای بزه‌دیده به موجب ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی در امور کیفری صورت می‌گیرد و برای بزه‌کار به موجب ماده ۲۲۱ همین قانون صورت می‌گیرد. چنانچه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل نکند و خود نیز حضور نیابد، دادگاه برای طفل بزه‌کار وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد.

در مقررات بین‌المللی نیز براساس ماده ۴۰ - ۲ کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۳۷ ماده ۱۵ - ۱ مقررات پکن و ماده ۱۸ الف مقررات سازمان ملل در مورد حمایت از کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به حضور وکیل و مشاور حقوقی رایگان در مراحل دادرسی اشاره شده است.

در برخی از کشورها برای وکلایی که مایلند وکالت کودکان را بپذیرند، امکان گذراندن دوره‌های تخصصی مربوط به کودکان به منظور فراگیری مهارت‌های وکالتی خاص وجود دارد. این امر سبب می‌شود که همه بدانند این گروه از حرفه‌ای‌ها در رشته حقوق کودکان تخصص دارند و با کودکان چنان برخورد می‌کنند که در شأن « منافع عالیه » آنها باشد (برانکن، ۲۰۰۴).<sup>۱</sup>

## ۷- عدالت ترمیمی، سازش و درخواست آن

عدالت ترمیمی فرآیندی است برای درگیر کردن کسانی که دارای سهمی در یک جرم خاص هستند تا به طرق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها، نیازها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن امور به‌اندازه‌ای که امکان‌پذیر است اقدام کنند (هوارد، ۱۳۸۳: ۶۲).

چند سالی است که تحت تأثیر یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی و با توجه به کارایی نامطلوب عدالت کیفری در زمینه‌های بازدارندگی و بازپروری بزه‌کاران، اجرای عدالت ترمیمی

1. Branken N (2004).



در نظام کیفری مورد توجه قرار گرفته است.

براساس مفهوم عدالت ترمیمی، جرم باید ابتدا به عنوان یک اختلاف در روابط بزه‌دیده-بزه‌کار و سپس به عنوان رفتاری علیه دولت و قانون دولتی تلقی شود. عدالت ترمیمی، فرصت و مناسبت حل و فصل جمعی اختلافات ناشی از ارتکاب یک جرم است و استلزامات آن را، در آینده ترغیب و تشویق می‌کند. عدالت ترمیمی نه تنها میانجیگری، بلکه سازوکارهای دیگر از جمله، انجام خدمات عمومی، جبران، استرداد و جلسات گروهی خانوادگی را شامل می‌شود. تجربه‌های تطبیقی نشان داده است که سیاست‌های ترمیمی به طور ملموس در بسیاری از کشورهای جهان مانند اتریش، هلند و سوئیس اعمال می‌شود (عباسی، ۱۳۸۲: ۶۸).

در مرحله پیش از محاکمه، عدالت ترمیمی، اثر منحرف شدن از نظام عدالت کیفری را مثلاً از طریق توسل به میانجیگری به همراه دارد. در مرحله محاکمه، عدالت ترمیمی می‌تواند اجازه دهد تا پرونده با اجتناب از پاسخ‌های سنتی رسیدگی شود؛ مثل استرداد مال یا پرداخت خسارت. در مرحله پس از محاکمه، عدالت ترمیمی می‌تواند از احیای امنیت و آسایش اجتماعی حمایت کند؛ مثل تعویق صدور حکم، تعلیق آزمایشی.

اشخاص منتفع از عدالت ترمیمی را از یک سواطفال و بزرگسالان مجرم و از سوی دیگر بزه‌دیدگان و گاه مؤسسات و گروه‌ها تشکیل می‌دهند (رایجیان، ۱۳۸۱: ۲۰).

فراهم کردن زمینه صلح و سازش میان طرفین دعوا یکی از شیوه‌هایی است که از دیرباز رایج بوده است و امروزه بر اساس یافته‌های جنبش عدالت ترمیمی از ملاک‌های جهانی حمایت از بزه‌دیده در فرآیند ترمیمی یا احیایی محسوب می‌شود. صلح و سازش به بزه‌دیده فرصت می‌دهد تا دغدغه خود را درباره بزه‌دیدگی مطرح کند. و به طور کلی، به درک و شناخت عمل و انگیزه وقوع جرم کمک می‌کند و ضمن توجه به نیازه‌های بزه‌دیده و میزان خسارت وارد شده، متهم یا بزه‌کار را برای جبران در برابر بزه‌دیده پاسخگو می‌کند. این مورد در پی نشست بزه‌دیده و بزه‌کار و تعاملات ناشی از آن انجام می‌گیرد و در صورت حصول توافق منطقی و معقول، آن را به مرحله اجرا در می‌آورند. در حقوق ایران، ماده ۱۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری ناظر به اصلاح ذات‌البین است (زهر، ۱۳۸۲: ۳۳). و در مقررات بین‌المللی ماده ۴۰ - ۳ ب کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۱۱ - ۱۱ تا ۴ از مقررات پکن مقرر می‌دارند: در صورت اقتضا، تدابیری برای برخورد با کودکان بزه‌کار یا معارض با قانون بدون توسل به دادرسی‌های قضایی، مشروط بر اینکه حقوق بشر و سایر تضمین‌های حقوقی رعایت شود اتخاذ و اعمال شود، از جمله با قضا‌زدایی.

ماده ۱۱/۲ مقررات پکن مقرر می‌دارد که پلیس، دادسرا یا نهادهای مرتبط با پرونده‌های اطفال و نوجوانان معارض با قانون، باید اختیار و توانایی حل و فصل چنین پرونده‌هایی را بدون توسل به رسیدگی رسمی، بر طبق معیارهای پیش‌بینی شده برای آن در هر نظام حقوقی و نیز براساس اصول مندرج در این مقررات، برطبق صلاحیدیشان، داشته باشند (اسکلتن، ۲۰۰۵).

در عدالت ترمیمی باید قطعات و عناصری در کنار یکدیگر قرار بگیرد که سازنده یک مدل ترمیمی باشد که این عناصر عبارت‌اند از:

۱ - داوطلبانه بودن: نیاز به شرکت داوطلبانه بزه‌دیده و بزه‌کار است.  
۲ - اظهار حقیقت: بحث بر سر پذیرش گناهکاری و اظهار ندامت و بازپذیر کردن دوباره طفل است.

۳ - رودرویی: بزه‌دیده و بزه‌کار رو در روی یکدیگر و با کمک و مساعدت میانجی، اعضای خانواده، مشاوران حقوقی و... به نقل ماجرا می‌پردازند.

۴ - توافق: توافق بزه‌دیده و بزه‌کار بر سر نحوه جبران خسارت و پاسخ به بزه‌است.

۵ - حمایت: تأکید بر جنبه‌های حمایتی این فرآیند، حمایت از بزه‌دیده، حمایت از بزه‌کار و اشخاص آسیب‌پذیر است.

۶ - غیر علنی و محرمانه بودن: در اصل ۱۴ اصول پایه‌ای آمده است: «گفتگوهای فرآیند ترمیمی که در حضور عموم اجرا نمی‌شود، باید محرمانه باقی بماند و پس از آن نباید افشا شود، به جز در مواردی که طرفین توافق کرده باشند و یا قانون ملی آن را لازم بداند» (عباسی، ۱۳۸۲: ۶۶).

حال پلیس با توجه به نوع جرم و سن طفل بزه‌کار باید عناصر تشکیل دهنده عدالت ترمیمی را مدنظر قرار دهد. در جرایم مهم یعنی جرایم خشونت آمیز، تروریستی، جرایم سازمان‌یافته و نظایر آن کماکان به عدالت سزادهنده نیاز است و فرآیندهای ترمیمی در آن زمینه‌ها کارایی نداشته و منجر به افزایش بزه‌کاری در جامعه خواهد شد. اما در جرایم ساده و کم اهمیت که عمدتاً ناظر به نقض حقوق افراد است، به ویژه زمانی که متهم، نوجوان است یا برای بار اول مرتکب بزه می‌شود، استفاده از فرآیندهای ترمیمی سودمند خواهد بود.

### گفتار دوم: پلیس در مرحله رسیدگی و اجرای حکم

در قبال یک پدیده مجرمانه، کشورها سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کنند که از آن به سیاست جنایی تعبیر می‌شود؛ یعنی خط مشی و تدابیری را که می‌باید در مراحل قانونگذاری و اجرایی و قضایی در قبال یک پدیده مجرمانه اتخاذ کنیم به گونه‌ای باشد که معمولاً پدیده را بشناسیم و واکنش‌های در قبال این پدیده را تبیین کنیم و حتی الامکان از وقوع جرایم جلوگیری کنیم. پلیس نیز در زمان برخورد با متهمان، مظنونان، شرکا، معاونان جرم و کسانی که در ارتکاب پدیده مجرمانه مداخله دارند، باید سیاست مشخصی را در پیش بگیرد.

سیاست جنایی اجرایی، سیاستی است که لازم است پلیس در تمام کشورها، براساس مصوبات و قوانین موجود در برخورد با پدیده‌های مجرمانه اتخاذ کند. اخیراً سیاست جنایی دیگری به جمع سیاست‌ها اضافه شده است و آن هم سیاست جنایی مشارکتی مثل انجمن‌های مردمی و مراکز غیر دولتی به منظور کمک به دستگاه قضایی یا اجرایی، به معنای مشارکت مردمی در قبال پدیده مجرمانه است.

سیاست جنایی تقنینی و قضایی و اجرایی در مقابل اطفال بزهکار باید سیاست منطبق با عدالت باشد. اجرا و اعمال مجازات باید در راستای عدالت و انصاف باشد. ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک راهکارها را مشخص کرده است (کوشا، ۱۳۸۱: ۹۹).

نقش پلیس در این مرحله می‌تواند دخالت در مرحله قانونی و استفاده از روش‌های میانجیگری کیفری باشد. در جرایم کوچک و کم اهمیت، در مواردی که اطفال و نوجوانان مرتکب جرایم می‌شوند، لازم است که با پرهیز از دادرسی، موضوع را به میانجیگری کیفری ارجاع داد.

یکی از موضوعات شورای حکمیت، شورای داوری است که در جرایم اطفال و نوجوانان می‌تواند در قوانین کیفری لحاظ شود.<sup>۱</sup> از جمله موارد مهم برای پلیس در نظر گرفتن سن مسئولیت کیفری، نوع جرم و سپس تشکیل پرونده قضایی است. پلیس می‌باید اطمینان حاصل کند که کودکان بزهکار از حمایت‌های لازم برخوردارند. این حمایت‌ها شامل حمایت‌های روانی، حقوقی و حمایت از والدین است. امکان دارد از پلیس خواسته شود که به دادگاه در رسیدن به توصیه‌هایی برای مواردی که به آنها ارجاع شده است کمک کند. در زمان ارائه این توصیه‌ها اصول پر محتوایی در کنوانسیون

۱. سخنرانی آقا دیالو، مسئول محترم دفتر یونیسیف در ایران، سال ۱۳۸۰.

حقوق کودک و سایر استانداردهای ملی و بین‌المللی، باید مدنظر قرار گیرد. با الهام از این اسناد بین‌المللی لایحه رسیدگی به جرایم اطفال در بعضی موارد حضور پلیس را در مراحل رسیدگی لازم دانسته است.

### ۱- مداخله قانونی

مداخله قانونی شامل بررسی‌های جزایی و مراحل قانونی حمایت از کودکان است که در این موارد سیستم باید اطمینان حاصل کند که کودکان از حمایت لازم برخوردارند، این حمایت‌ها شامل حمایت‌های روانی، حقوقی و حمایت از والدین است. اصولی که در مراحل قانونی وجود دارد شامل موارد زیر است:

#### ۱-۱ - توجه به عالی‌ترین منافع کودک

این توجه حق کودک است. (ماده ۸ کنوانسیون حقوق کودک). تمامی اقدام‌هایی که از طریق مؤسسات و نهادهای رفاه اجتماعی - چه دولتی و چه غیر دولتی - مقامات اجرایی و نهادهای قانونگذاری انجام می‌شود، باید بر اساس توجه به این حق صورت گیرد. برای تضمین این منافع باید برنامه رفاهی، حقوق و تکالیف والدین، سرپرستان قانونی یا سایر اشخاص که به طور قانونی مسئولیت کودک را بر عهده دارند، مشخص شده و زمینه‌های اجرایی قانون نیز فراهم شود. همچنین تمام نهادهایی که به نوعی مسئولیت مراقبت، حمایت و نگهداری از کودک را دارند باید با معیارهای موجود هماهنگ و منطبق شوند. این دو موضوع هم در مقررات بین‌المللی و هم در قوانین ملی مورد توجه واقع شده است مانند قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱.

#### ۲ - ۱ - توجه به کرامت انسانی

احترام به شأن و مقام و منزلت کودک یکی از حقوق بنیادی اوست. این اصل در مرحله مواجهه و برخورد با کودک در فرآیند کیفری متبلور می‌شود؛ هر چند که حین وضع قانون کیفری ماهوی، مربوط به کودکان این اصل باید مورد توجه قرار گیرد (توجهی، ۱۳۸۳: ۶۲۱).

در حقوق ایران اصل کرامت انسانی در خصوص کودکان محترم شمرده شده مگر وقوع استثنائاتی مثل کودکان نامشروع که منسوب به والدین نمی‌باشند، یا عدم قبول شهادت کودک، به ویژه در وقوع جرم علیه خود کودک از موارد بسیار مهم است. به این معنا که وقتی جرم علیه کودک انجام می‌شود و غیر از او فرد دیگری شاهد آن جرم نیست، عدم قبول شهادت کودک، ممکن است به برائت مرتکب بینجامد؛ در نتیجه

حقوق وی نقض شود یا لوث در بحث قسامه که قانونگذار شهادت طفل ممیز اعتماد را یکی از موارد لوث می‌داند.

### ۳-۱ - عدم تبعیض

نباید هیچ گونه تبعیضی بین کودکان قائل شد. با هر کودکی صرف‌نظر از ویژگی‌هایی مثل رنگ، جنسیت، عقاید، زبان و خاستگاه‌های ملی، قومی، اجتماعی باید عادلانه و برابر رفتار شود (ماده ۲ و ۸ کنوانسیون حقوق کودک). قوانین و مقررات ایران چه در قلمرو بزهکاری و چه در حیطه بزه‌دیدگی کودکان، تفاوت‌هایی را قائل شده که در حوزه بزهکاری بیشتر ناظر بر جنسیت آنان است. رعایت اصل عدم تبعیض بین کودکان سبب نمی‌شود که در برخی از شرایط که بعضی از کودکان به مساعدت‌های ویژه‌ای نیازمندند، برای رفع مشکلاتشان مورد حمایت بیشتر قرار نگیرند. (ماده ۱۷ بند ب کنوانسیون حقوق کودک).

### ۴-۱ - سلب آزادی به عنوان آخرین راهکار

بر اساس ماده ۳۷ بند ب کنوانسیون حقوق کودک: نباید هیچ کودکی به طور قانونی یا خودسرانه از آزادی محروم شود. دستگیری، بازداشت یا زندانی کردن کودک باید مطابق قانون و تنها به عنوان آخرین حربه یا راهکار برای کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت‌پذیرد؛ یعنی اصل بر عدم بازداشت است مگر در موارد ضروری که در قوانین ملی هم مانند قانون اساسی به صراحت ذکر شده است.

### ۵-۱ - پرهیز از مسیر رسمی دادرسی یا قضازدایی

بر اساس ماده ۴۰-۳ ب کنوانسیون حقوق کودک: در صورت اقتضا اعمال تدابیری برای برخورد با این گونه کودکان بدون توسل به دادرسی‌های قضایی، منوط به این است که حقوق بشر و تضمین‌های حقوقی کاملاً رعایت شوند. از جمله نوآوری‌های دیگری که در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال اشاره شده است قضازدایی است، که در ماده ۱۴ با الهام از قانون آیین دادرسی کیفری سابق و ماده ۴۰ مکرر با عنوان تعلیق تعقیب ذکر شده است و ماده ۲۷ به نهاد دیگری که می‌تواند به قضازدایی کمک کند اشاره کرده است، مبنی بر آنکه کلیه جرایم اطفال در صورت تعزیری بودن قابل گذشت باشد.

### ۶-۱ - توانمندسازی

بر اساس ماده ۴۰-۴ کنوانسیون حقوق کودک: به منظور تضمین اینکه با کودکان

به روش متناسب با رفاه و شرایط و جرم آنها رفتار شود، باید تمهیدات گوناگون از قبیل: مقررات، مراقبت، راهنمایی، و نظارت، مشاوره، تعلیق مجازات، نگهداری توسط خانواده جایگزین، آموزش و برنامه‌های آموزش حرفه‌ای و سایر اقدامات جایگزین مراقبت در مؤسسات فراهم باشد. از جمله نوآوری‌های دیگر این لایحه حبس خانگی به جای حبس در کانون است (تبصره ۲ ماده ۳۱) که تأسیس جالبی است و باید زمینه اجرایی آن در ایران بررسی شود و همچنین به ایجاد مددکاران اجتماعی، پلیس اطفال و قاضی ویژه در این لایحه باید اشاره کرد.

#### ۷-۱ - مشارکت طفل

براساس ماده ۱۲ - ۲ کنوانسیون حقوق کودک: بدین منظور باید به ویژه برای کودک این فرصت فراهم شود تا بتواند در کلیه مراحل رسیدگی قضایی و اجرایی مربوط به خود مستقیماً یا از طریق یک نماینده یا مرجع مناسب، به روشی منطبق با مقررات آیین دادرسی در قوانین داخلی اظهار نظر کند. از جمله نوآوری‌های دیگر در این لایحه، خدمات عمومی عام‌المنفعه است. که سعی می‌شود سازوکار اعمال این قبیل مجازات تعیین و تعریف شود که نشانه مشارکت طفل در اصلاح خرابی‌هاست.

#### ۸-۱ - مشارکت خانواده طفل

براساس ماده ۵ کنوانسیون حقوق کودک: کشورهای عضو، مسئولیت‌ها، حقوق و تکالیف والدین، یا برحسب مورد اعضای خانواده گسترده مطلق عرف مرسوم هر منطقه، سرپرستان قانونی یا سایر اشخاصی را که قانوناً مسئول کودک هستند، در هدایت و ارائه راهنمایی‌های مقتضی به روشی هماهنگ متناسب با توانایی‌های بالنده کودک در راستای اعمال حقوق مندرج در پیمان نامه حاضر توسط کودک را، محترم خواهند شمرد.

#### ۹-۱ - تلفیق دوباره

براساس ماده ۴۰ - ۱ کنوانسیون حقوق کودک: کشورها این حق را برای هر کودک مجرم، متهم یا مظنون به نقص قوانین کیفری به رسمیت می‌شناسند که با او به روشی که موجب اعتلای مفهوم شرف و ارزش در ذهن کودک شود رفتار شود. روشی که احترام کودک به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران را تقویت کند و به سن کودک و مطلوبیت ترویج ادغام مجدد کودک در جامعه و ایفای نقش سازنده توسط وی در جامعه، توجه داشته باشند در کلیه این اصل پلیس می‌تواند مهم‌ترین نقش کلیدی را

داشته باشد.

## ۲ - تشکیل پرونده شخصیت

مطابق با ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق در جرایم اطفال را توسط دادرس یا درخواست آن توسط قاضی تحقیق را قابل اجرا دانسته است و دادگاه مکلف شده است همه وظایفی را که برابر قانون به عهده ضابطان است، رأساً به عمل آورد؛ ولی عملاً مشاهده می‌شود که در مراحل رسیدگی، مقام قضایی پرونده را برای تکمیل تحقیقات به ضابطان ارجاع می‌دهد، که در ماده ۶ قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ این امر به صراحت مشخص شده بود.

تشکیل پرونده شخصیت در جرایم مهم، مقام قضایی را قادر می‌سازد با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال متهم از نظر وضعیت شخصی و خانوادگی و موقعیت اجتماعی، در تعیین مجازاتی متناسب که تأمین کننده هدف اصلاح مجرم باشد، موفق شود. در خصوص جرایم ارتكابی توسط کودک، مقررات راهبردی بچینگ، دادگاه را ارشاد کرده تا در تمام موارد (جز مواردی که به جرایم کم اهمیت مربوط می‌شود) پیش از آنکه رأی محکومیت نهایی را صادر کند به بررسی پیشینه و اوضاع و احوالی که نوجوان در آن به سر می‌برد و شرایطی که جرم در آن وقوع یافته پیردازد (ماده ۱۶ قسمت ۱ مقررات پکن).

قانون ایران توجهی سزاوار به تحقیق پیرامون وضعیت روحی - روانی متهم یا محیط خانوادگی و اجتماعی وی نکرده است و تنها در برخی موارد، تخفیف مجازات متهم را منوط به توجه به وضعیت خاص او کرده است. از جمله بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۵۷، وضع متهم یا سابقه او را از جهات تخفیف مجازات دانسته است که دادگاه می‌تواند مدنظر قرار دهد. مقنن گاه در جهت اجرای حکم، وظایفی را برعهده مسئولان زندان نهاده است (ماده ۳۶ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها) یکی از وظایف دایره مددکاری و خدمات اجتماعی را شناخت شخصیت زندانیان دانسته است. قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار در ماده ۷ به قاضی اجازه داده بود چنانچه تحقیقاتی درباره وضع روحی طفل یا پدر و مادرش یا وضعیت خانوادگی و محیط معاشرت طفل لازم شود، بتواند تحقیقات مزبور را خودش یا به هر وسیله‌ای که مناسب بداند توسط اهل خبره و متخصصان فنی انجام دهد. قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب سال

۱۳۷۸ در ماده ۲۲۲ مقرر داشته است که تحقیقات لازمه برای وضعیت روحی - روانی طفل، ولی یا سرپرست او یا وضعیت خانوادگی و محیط معاشرت طفل می‌تواند توسط دادگاه صورت گیرد و دادگاه می‌تواند نظر اهل خبره را بخواهد. ملاحظه می‌فرمایید این امر یک اختیار است که دادگاه را مکلف به تشکیل پرونده شخصیت نکرده است، پلیس در کنار مددکاران پلیس زن می‌تواند نقش مهمی در تشکیل پرونده شخصیت در مورد کودکان بزهکار و معارض با قانون داشته باشند. یکی دیگر از نوآوری‌های مقرر در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال، آن است که در ماده ۱۹ آن با صراحت به تشکیل پرونده شخصیت اشاره شده است که می‌دانیم تا چه اندازه‌ای در فردی کردن نحوه برخورد قاضی با متهم، آنگاه که مستند به اطلاعات شخصی درباره متهم و مستند به داده‌های علمی باشد، می‌تواند به قاضی کمک کند (برنار، ۱۳۸۲: ۴۴).

با در نظر گرفتن خلاء ذهنی در بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی می‌توان این ایراد را در پیش‌نویس رسیدگی به جرایم اطفال مرتفع کرد؛ زیرا مشخص نشده است که مقام قضایی چگونه می‌تواند این حالت را احراز کند، بلکه این امر فقط از طریق مددکاران اجتماعی، پلیس و سایر اشخاص خبره، قابل دستیابی است که هویت و سابقه متهم احراز می‌شود و آنها می‌توانند نقش بزه‌دیده را در وقوع جرم بررسی کنند و بدین سان مجازاتی مناسب و با آگاهی کامل با در نظر گرفتن تخفیف و تبدیل در نظر گرفته می‌شود.

در حقیقت می‌توان گفت نظر پلیس و مددکاران اجتماعی که از کنشگران مهم دادرسی کودکان و نوجوانان هستند و گزارش آنها در خصوص وضع طفل، می‌تواند در تصمیم دادگاه مهم باشد.

### ۳ - پیش‌بینی سازو کارهای جبران در حکم کیفری و تصمیمات متخذه

زمانی که مقام صادر کننده حکم مبادرت به صدور حکم کیفری می‌کند، در صورت امکان باید نحوه جبران خسارت و اشخاص مسئول جبران را مشخص کند. در این مقطع از اقداماتی که پیش بینی آن در صدور حکم می‌تواند جبران خسارت را تسهیل کند، تعیین اشخاص مسئول جبران خسارت و میزان خسارتی است که باید تأدیه شود. چنانچه مطابق قانون، اولویتی در پرداخت خسارت از سوی مقامات مسئول پرداخت ذکر شده باشد، این اولویت هم در حکم قید شود تا بزه‌دیده در مراجعه به اشخاص مذکور برای دریافت خسارت با شک و شبه‌ای مواجه نشود و با اطمینان و قاطعیت



اقدام کند (مانند ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی).

خسارت زدایی یکی از مصادیق بارز دادرسی ترمیمی است که قانونگذاران را بر این داشته که در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال آن را مدنظر قرار دهند (آخوندی، ۱۳۸۶: ۱۹۹).

سیاست خسارت زدایی اصولاً پرداخت خسارت را برعهده مرتکب جرم می‌داند، در برخی موارد عمومی خسارت از طریق نهادهای غیر دولتی مثل بیمه و در برخی موارد نادر پرداخت غرامت دولتی راپذیرفته است. این امر می‌تواند از جلوه‌های برجسته‌حمايت از بزه‌دیده در زمینه خسارت زدایی و مشارکت اطفال با قانون در جبران خسارت باشد.

امروزه رویکرد نظام کیفری به نظریات جرم‌شناسی، حقوق‌کیفری را واجد جنبه‌های اجتماعی و درمانی ساخته است، با این وصف اصل تناسب جرم و مجازات زیر سؤال رفته و فلسفه و اصول عدالت ترمیمی جایگزین دیدگاه سنتی عدالت کیفری شده است. توجه به بزه‌دیده، جبران خسارت ناشی از جرم، حذف یا تخفیف جنبه عمومی جرم، دخالت بخش غیر قضایی مردمی در حل و فصل اختلافات، استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس، همگی از نتایج موج تازه‌ای است که با نام عدالت ترمیمی در نظام‌های کیفری پیشرفته رسوخ کرده است.

پلیس می‌تواند مهم‌ترین نقش را در خصوص استفاده مقام قضایی از واکنش‌های مناسب با روحیه متهم و استفاده از مجازات‌های اجتماعی و تصمیمات غیر نهادی داشته باشد و قضازدایی از زمان کشف جرم توسط ضابطان دادگستری تا ارجاع پرونده به نهادهای دادرسی باید وجود داشته باشد و مقام صالح باید اختیار داشته باشد که ادامه دادرسی را در هر زمان ممکن که مقتضی بداند متوقف سازد(اسدی، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

نمونه‌ای از تصمیمات صادره یا جلوه‌های نوین پاسخ دهی به کودکان معارض با قانون عبارت‌اند از:

#### الف: ارائه خدمات عمومی

ارائه خدمات عمومی در اکثر کشورها بدون در نظر گرفتن گروه سنی از مرتکبان در قوانین موضوعه پیش‌بینی شده است؛ اما قانونگذار ایران چنین شیوه‌ای را پیش‌بینی نکرده است. با این وجود عده‌ای از قضات دادگاه‌های اطفال در خصوص ارائه خدمات

عمومی آرای صادر کرده‌اند<sup>۱</sup> (خواجه نوری، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

امروزه شاهد اعمال این خدمات عمومی عام‌المنفعه در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال هستیم، مثل نهاد حبس خانگی در تبصره ۳ ماده ۳۱ که از نوآوری‌های این لایحه به شمار می‌رود. حبس خانگی ضمانت اجرایی بینابین است که نظارت و مراقبتی بیش از تعلیق مراقبتی، و مجازاتی کمتر از زندان را با هدف ناتوان کردن شخص برای ارتکاب جرم جدید و بازپروری با اجازه دادن به مجرمان برای زیستن در جامعه به جای زندان دنبال می‌کند. در این شیوه، فرد محکوم، مکلف به اقامت در خانه است و از رفت و آمد به خارج از خانه جز در موارد ضروری منع می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۴: ۱۵). این گونه از ضمانت اجراها در قوانین ما پیش‌بینی نشده است اما قضات با توجه به پذیرش ایران در کنوانسیون حقوق کودک آن را مورد حکم قرار داده‌اند.<sup>۲</sup>

#### ب - حبس پایان هفتگی

شیوه‌ای از مجازات است که به محکوم اجازه می‌دهد روزهای کاری خود را در اختیار حرفه و خانواده‌اش باشد و تعطیلات آخر هفته را در زندان سپری کند، لذا این شیوه منجر به بیکاری و جدایی فرد از زندگی اجتماعی نمی‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۱۷).

#### ج - آموزش مهارت و به کارگیری مهارت بزهکار

دانستن مهارت و هنر موهبتی است که در تمامی عرصه‌های زندگی برای انسان مفید خواهد بود. چه بسا بزهکارانی که به دلیل نداشتن شغل و حرفه و برای گذراندن زندگی به سوی اعمال مجرمانه سوق داده شده‌اند و اگر به این عده، مهارت‌های حرفه و فنی آموزش داده شود می‌توانند آن را وسیله امرار معاش خود قرار بدهند و دیگر مرتکب جرم نشوند.

#### نتیجه‌گیری

پرورش نیروهای تخصصی با وظیفه بازدارندگی (پلیس قضایی، پلیس متخصص کودکان) اثری مثبت در مبارزه با جرایم به خصوص قبل از وقوع جرم خواهد داشت. فراهم کردن شرایط لازم برای آموزش نیروهای انتظامی تحت ساختار قضایی و حقوقی جامعه که طرز صحیح و نحوه برخورد مؤثر با بزه‌دیده و فرد بزهکار را آموخته‌اند، از

۱. پرونده کلاسه ۱۳۷۹/۸/۱-۲۸۳/۲۱۰۲/۷۹

۲. پرونده کلاسه ۱۳۸۲/۴/۲۳-۸۵۳/۴۵/۸۲

نتایج سیاست جنایی است که تلاشش را معطوف به بازدارندگی و یافتن راه حل مسئله قبل از وقوع کرده است.

وجود پایگاه‌های پلیس متخصص، دسترسی آسان و به موقع، تجهیزات امکانات پلیس به تلفن‌های تماس سریع در یک شبکه ارتباطی مناسب، تربیت شاخه‌های حرفه‌ای و مجزای نیروی انتظامی در برخورد با جرایم (بزهکار یا معارض قانون) با ارائه آموزه‌های جامعه شناسانه، روان‌شناختی، پیرامون درک شرایط آسیب‌پذیری بزه‌دیدگان در دانشکده‌های پلیس و تأکید بر داشتن رفتارهای توأم با همدردی و عاری از هر گونه پیش‌داوری نسبت به کودکان و تجهیزات این شاخه مستقل به امکاناتی برای خارج کردن پرونده از مسیر دادرسی رسمی (قضازدایی) ایجاد امنیت از طریق همکاری تنگاتنگ با سایر نهادهای قضایی و دولتی از مهم‌ترین تدابیری است که در جهت تقویت و تربیت نیروهای آموزشی دیده ویژه، در حمایت از کودکان در تماس با قانون ضروری می‌نماید.

توجه به اقدامات حمایتی، خصوصیات و ویژگی‌های کودکان و نوجوانان، قانونگذار کشور جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشت تا درصدد تشکیل پلیس کودکان و نوجوانان برآید، که امروزه شاهد در نظر گرفتن این نوع پلیس در اقدامات قانونگذاری در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال ماده ۵۳ هستیم.

ماده ۱۲/۱ می‌افزاید: افسران پلیس که غالباً یا منحصراً با اطفال و نوجوانان سروکار دارند، کسانی هستند که ابتدائاً در پیشگیری بزهکاری اطفال و نوجوانان مشارکت دارند. بنابراین، به منظور حسن انجام وظیفه باید به طور خاص آموزش ببینند. در شهرهای بزرگ واحدهای پلیس متخصص باید بدین منظور تأسیس شود.

جرم‌زدایی از اعمال کودکان رویکرد نوینی است که در اسناد بین‌المللی مورد توجه واقع شده است. این رویکرد حاصل‌یافته‌های جرم‌شناسانه و تجربه سیاست جنایی کشورهای مختلف است که در اصول راهبردهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری اطفال مصوب سال ۱۹۸۸ مورد توجه قرار گرفته است. براساس این رویکرد اصولاً جرم‌انگاری اعمال اطفال و صغار باید به گونه‌ای باشد که براساس آنها کودک به دلیل رفتاری که موجب صدمه جدی به جریان رشد و نمو او نمی‌شود یا به او آسیبی نمی‌رساند، مجرم تلقی شود. اسناد بین‌المللی آثار مخرب ناشی از بزهکاری بر روان و شخصیت اطفال را مورد توجه قرار داده و بر جلوگیری هر چه بیشتر از ورود اطفال به فرآیند دادرسی کیفری تأکید ورزیده است (رهنمود ریاض، مصوب سال ۱۹۹۰).

رویکرد دیگر سیاست جنایی نوین در رابطه با اطفال بزهکار، گرایش به قضازدایی آنان است. مقصود از قضازدایی عدم ارجاع طفل به تشکیلات قضایی کیفری به جهت تأثیرات منفی دادرسی در این نهادهاست. این اقدامات که از سویی مانع از داخل شدن فرد در فرآیند کیفری می‌شود مانند تعلیق تعقیب، از سوی دیگر باعث می‌شود فرد به سرعت از فرآیند کیفری خارج شود مثل نهاد عفو، آزادی مشروط، تعلیق مجازات. لذا توجه ویژه کشورهای اسلامی به این نگرش در دادرسی اطفال بزهکار بسیار ضروری است.

بدون تردید حقوق کیفری اطفال به دلیل خصوصیات ویژه صغار، رشته‌ای تخصصی در بین رشته‌های جزایی به شمار می‌رود. اندیشه‌های جرم شناختی در زمینه بزهکاری اطفال را نمی‌توان مختص به یک کشور و ملت و یا فرهنگ و مذهب دانست؛ بلکه هدف همه آنها حمایت از ابنای بشر در سنینی است که شخصیت و روان جسم وی در حال رشد و نمو است و به همین دلیل آسیب‌پذیرتر بوده و نیازمند حمایت‌های خاص است. ششمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا در سال ۱۹۰۶ در شهر تورین ایتالیا برگزار و توصیه کرد که در زمینه حقوق کیفری اطفال، قاضی باید بتواند بر حسب شرایط فردی و اجتماعی هر طفل، از اقدام‌های و تدابیر متنوع نسبت به وی استفاده کند؛ به علاوه هر گونه پاسخ دهی به رفتار بزهکارانه طفل باید مسبوق به معاینات پزشکی، روان‌شناختی و بررسی سوابق خانوادگی او باشد، که بدون تردید ضمانت اجرای بزهکاری اطفال باید در جهت اصلاح و درمان طفل باشد نه مبتنی بر مجازات، سزادهی و ارباب؛ بنابراین لزوم تفاوت قائل شدن در مجازات اطفال و بزرگسالان و جهت‌گیری به سمت اصلاح و درمان در مورد اطفال باید از شاخصه‌های حقوق کیفری آنان باشد.

کودکان و نوجوانان به دلیل نیاز، ناتوانی و وابستگی به بزرگسالان و از سوی دیگر عدم کمال عقلی، همواره در معرض خطر سوءاستفاده بزرگسالان برای ارتکاب جرایم و یا بزه‌دیدگی هستند. این خطر در مورد کودکانی که دارای شرایط ویژه‌ای هستند مضاعف است (اردبیلی، ۱۳۸۷: ۶۵). پیمان نامه در خصوص اطفال و نوجوان در معرض خطر نیز طریحی ارائه کرد و زمینه‌ای فراهم آورد تا دولت‌ها مکلف شوند در برنامه‌ای جامع تحت عنوان اطفال و نوجوانان در معرض خطر، زمینه‌های بروز خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی را برای این قبیل کودکان و نوجوانان مطرح کنند. در هشتمین کنگره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان سازمان ملل تأکید شد که دولت‌ها برای مقابله با بهره‌برداری از اطفال آسیب‌پذیر به ویژه اطفالی که از خانه و مدرسه

فرار کرده‌اند، کودکان خیابانی و همچنین اطفال محروم از آزادی، به عنوان کسانی که می‌توانند در اقدامات جنایی بزرگسالان فعالیت داشته باشند باید تدابیر مؤثری را اتخاذ کنند (مقررات ریاض، مصوب سال ۱۹۹۰).

با توجه به پیشرفت اندیشه‌های جرم‌شناسی در زمینه بزهکاری اطفال، به نظر نمی‌رسد که یافتن راهکارهای مناسب در حقوق کیفری اطفال دشوار باشد و نیز به دلیل صحه گذاردن عقل و علم بر آنها از لحاظ مقررات شرعی، منعی در اتخاذ چنین رویکردهایی وجود ندارد. بنابراین می‌توان به لزوم تدوین مقررات ویژه دادرسی اطفال بزهکار، از جمله: استفاده از پلیس ویژه کودک و انجام تحقیقات توسط متخصصان روان‌شناسی و مددکار، غیر علنی و محرمانه بودن جلسات محاکمه اطفال بزهکار، لزوم تشکیل پرونده شخصیت برای تمامی اطفال بزهکار، تفکیک مرحله محاکمه از مرحله تعیین مجازات براساس یافته‌های روان‌شناسان از پرونده شخصیت کودک، رسیدگی خارج از نوبت به جرایم اطفال به منظور پرهیز از بازداشت، حمایت از کودکان بزهکار پس از خروج از فرآیند کیفری به منظور بازگرداندن کودک به جامعه و جلوگیری از تکرار جرم، تدوین و اصلاح قوانین و مقررات و دادن اختیارات به پلیس برای انجام برخی اقدامات لازم در دادرسی ویژه کودکان مثل قضا‌زدایی و اصلاح تبصره ماده ۱۴ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال اشاره کرد.

## منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۸۶). *آیین دادرسی کیفری*. انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۷). *حقوق جزای عمومی*. انتشارات میزان.
- اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۲). *دادرسی جرایم اطفال در حقوق ایران*. *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۵
- اسکلتن، آن (۱۳۷۸). *ایجاد یک نظام نوین دادرسی، چالش‌ها در فرآیند اصلاح قانون*. سیون سوئیس.
- اقلیما، مصطفی (۱۳۸۳). *پلیس و مددکار اجتماعی*. *آرامش*، فصلنامه علمی - آموزشی - مشاوره و مددکاری ناجا، شماره ۷ - ۸
- برنار، بولک (۱۳۸۲). *کیفر شناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی. انتشارات مجمع علمی - فرهنگی مجد.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۳). *اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران در علوم جنایی*. تهران: انتشارات سمت.
- خواجه‌نوری، یاسمن (۱۳۸۶). *سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کودکان بزهکاری*. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، شماره ۴
- دانش، تاج زمان (۱۳۷۸). *دادرسی اطفال بزهکار در حقوق ایران*. انتشارات میزان.
- دلما، مارتی، می‌ری (۱۳۸۱). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. ترجمه حسین علی نجفی ابرندآبادی. تهران: نشر میزان.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*. تهران: نشر دادگستر.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱). *بزه‌دیده در فرآیند کیفری*. تهران: نشر خط سوم.
- رزماتین، ژان (۱۳۷۸). *دادرسی نوجوانان، آموزه‌های تجربی*. سیون سوئیس
- رهنمودهای ریاض (۱۹۹۰). *ناظر به پیشگیری از وقوع جرم*
- زهر، هوار (۱۳۸۳). *عدالت ترمیمی*. ترجمه حسین غلامی. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد
- شایان، علی (۱۳۸۴). *عدالت برای بزه‌دیدگان*. تهران: انتشارات سلسبیل.
- شیرینی، عباس (۱۳۸۵). *فصلنامه حقوقی*.
- عباچی، مریم (۱۳۸۳). *پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان*. *مجله حقوقی*

دادگستری، شماره ۴۶.

- عباسی، مصطفی (۱۳۸۲). میانجیگری کیفری. تهران: انتشارات دانشور.
- کاپلار، گرت (۸۷۳۱). مجموعه سخنرانی‌های ارائه شده در زمینه دادرسی ویژه نوجوانان. سیون سوئیس.
- کوشا، جعفر (۱۳۸۱). جرایم علیه عدالت قضایی. نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۴-۱۳۷۳). تقریرات درس بزه‌دیدہ‌شناسی. تدوین فاطمه قناد، دوره کارشناسی شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۴-۱۳۷۴). تقریرات درس جرم‌شناسی. تدوین فاطمه قناد، دوره کارشناسی شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۴-۱۳۷۳). تقریرات درس جامعه‌شناسی - جنایی. تدوین رزیتا دارویی، دوره کارشناسی شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۷۷). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: انتشارات شهید بهشتی.

- Branken N (2004). Police Training in Juvenile Justice International standards and best practice manual. Unisef. Iran.

Interpol (1997). Hand Book on good practice for special list officers with crimes against children.

در مورد نقش پلیس در عدالت ترمیمی در مرحله پیش از محاکم، رک:

-Farajollah – Chazvini) M ,(Police protection to victims of crime ,Deep and puplications PVT.LTD New Dehli Indis ,.2002 pp250-450 .

- <http6///www.ohcher.org/English/law/crc-ratify.htm>.

- Skelton A.M (2005). The influence of the theory and practice of restorative justice in south sfrica with special reference of child justice (doc toral thesis) Pretoria. South Africa.

- Tony marshall. [www.restorative.justice.ory](http://www.restorative.justice.ory)